

مقدمه

تمام احکام و مقررات حاکم بر نظام اسلام بر اساس مصالح و مفاسدی شکل گرفته ، که تأمین کننده ی سعادت دنیوی و اخروی انسان هاست . انفاق نیز به عنوان یک قانون مفید و ارزنده در همین راستا بنا نهاده شده است . انفاق به معنی خارج کردن مال از ملکیت خود در راه خدا و به منظور کمک به مستمندان است که کمبودهای مالی دارند . انفاق از طرف خداوند متعال به عنوان یکی از راه های تقرب به او ، در جهت تثبیت نفس انسان و پرورش انسانیت او تشریع شده است و بخل نفس او را شستشو داده و فقر جامعه را ریشه کن می سازد .

اگر انفاق به عنوان حماسهی همه جانبه از سوی ثروتمندان در پیش گرفته شود می تواند بسیاری از معضلات از قبیل : اشتغال ، مسکن ، پرورش استعدادهای نهفته ، هدر رفتن سرمایه ها را برطرف نماید و در جهت تحقق یافتن منویات رهبر معظم انقلاب ، آیت الله خامنه ای (مد ظله) مؤثر باشد و کشور را به سمت قطب اقتصادی شدن و ارائه ی الگویی جهانی به کشورهای به اصطلاح توسعه یافته یا در حال توسعه رهنمون شود .

ان شاء الله

تعریف انفاق

- انفاق در لغت

معانی متعددی برای این لغت ذکر شده ؛ مانند : رفتن و تمام شدن یا تونلی که زیر زمین باشد ،^(۱) یا خروج ،^(۲) و یا پر کردن گودال ،^(۳) همچنین به معنی نفقه دادن ، بخشیدن مال به کسی و بی چیز شدن^(۴) نیز آمده است .

- انفاق در اصطلاح

این واژه در اصطلاح دین مقدس اسلام به معنی ؛ مال را در راه خدا هزینه کردن ،^(۵) کمک و هم یاری به مستمندان و کسانی که خداوند روزی آنان را در روزی گروهی دیگر قرار داده است ،^(۶) و یا به معنی ؛ پر کردن و برطرف نمودن کمبودهای مالی است^(۷) و همچنین ؛ ایجاد زمینه در زندگی برای عرضه ی برخی از امکانات (مالی و غیر مالی) ، برای رفاه حال مستضعفان و محرومان جامعه ، که اعم از مستحب و واجب است .^(۸)

با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی فوق می توان گفت « انفاق » به معنی خارج کردن مال از ملکیت خود در راه خدا و به منظور کمک به مستمندانی است که کمبودهای مالی دارند ، که می تواند مستحب یا واجب باشد .

۱ . حسین راغب اصفهانی ، مفردات الفاظ قرآن ، ص ۸۳ .

۲ . علی اکبر قرشی ، قاموس قرآن ، ج ۷ ، ص ۹۷ .

۳ . محسن قرائتی ، تفسیر نور ، ج ۱ ، ص ۴۴ .

۴ . حسن عمید ، فرهنگ فارسی عمید ، ص ۱۶۶ .

۵ . مصطفی حسینی دشتی ، دایرة المعارف جامع اسلامی ، ج ۲ ، ص ۶۴ .

۶ . عباس علاقه بندیان ، انفاق ، ص ۷۸ .

۷ . محسن قرائتی ، همان ، ج ۱ ، ص ۴۴ .

۸ . ملیحه علمچی میبدی ، یتیم در قرآن و حدیث ، ص ۱۱۲ .

فلسفه انفاق

هر کدام از قوانین الهی بر اساس مصالح و مفاسدی که برای بشر دارند ، ترسیم و در اختیار انسان قرار داده شده اند ، بنابراین دارای فلسفه و علت های فراوانی برای شکل گیری هستند یکی از این قوانین « انفاق » است ، که به برخی از فلسفه های آن اشاره می شود :

۱- قرب الهی

اعمالی که انسان در طول زندگی انجام می دهد بر اساس هدفی که از آن دارد ، ارزشمند یا بی ارزش می شوند ، اگر هدف انسان رسیدن به کمال مورد نظر الهی و خشنودی او باشد با هر قدمی که بر می دارد به خدا نزدیک و نزدیکتر می شود و چنانچه هدف او جلب افکار عمومی و به دست آوردن شهرت و امور دنیوی باشد نه تنها عمل او باطل و بی ارزش خواهد بود بلکه هر لحظه از خدا دورتر و به شیطان نزدیکتر می شود ، بنابراین یکی از دلایل تشریع « انفاق » تقرب انسان به باری تعالی و جلب رضایت اوست و هر کس آن عمل را به قصد خشنودی او انجام دهد مشمول این آیه ی شریفه خواهد شد که می فرماید :

« مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ » ^(۱)

هر مرد و زنی که با دارا بودن ایمان به خدا ، عمل صالح را انجام دهد ، او را به حیات پاک زنده خواهیم ساخت و پاداش آنان را بهتر و عالی تر از عملی که انجام داده اند عطا خواهیم نمود .
و همچنین آیه ی دیگری که می فرماید :

« وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِيبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ »^(۱)

مثل کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا و تثبیت ملکات و فضایل انسانی در روح خود انفاق می کنند همچون باغی است که در نقطه ی بلندی باشد و باران های درشت به آن برسد و میوه ی خود را دو چندان کند و اگر باران درشتی بر آن نبارد باران های ریزتر بر آن می بارد و خدا به آن چه که انجام می دهد بیناست .

۲- تثبیت نفس

یکی دیگر از دلایل قرار دادن انفاق به عنوان یک فضیلت اخلاقی مورد پسند الهی تکامل و « تثبیت نفس » انسانی است ، زیرا یکی از موانع تکامل و رشد نفس انسانی مال و ثروت است ، چرا که انباشتگی مال و ثروت غنای مفرط را به دنبال می آورد و همین امر سبب حرکت انسان در مسیر انحطاط و تباهی شده مانع رشد و تکامل او می شود ، همان گونه که امام علی علیه السلام می فرماید :

« من يستأثر من الاموال يهلك »^(۲)

هر کس بیشترین مال را تنها برای خود بخواد هلاک خواهد شد .

اما بلعکس انفاق و بخشش مال ، روح انسانیت را در آدمی نمودار ساخته ، نفس را بزرگ می نماید و با صبغه ی توکل و توجه به خداوند متعال در امور می آراید ، و نهال گذشت و بلند همتی و فضایل اخلاقی دیگر را در او شکوفا می سازد ،^(۳) زیرا صاحب نعمت را خدا می داند و نعمت های مادی فراوانی را که نصیب او شده ، لطف و رحمت او می شمارد و شکر آنها را بر خود واجب می داند و چه شکری بالاتر از اینکه بنده ی فقیری را از سؤال و درخواست از دیگران بی نیاز کند .

۱. بقره / ۲۶۵ .

۲. تحف العقول ، ص ۱۵۵ .

۳. محمد رضا حکیمی ، الحیاة ، ص ۱۱۳ .

۳- درمان بخل

یکی از رذایل اخلاقی که بسیار نکوهش شده و از مهلکات بشر است ، رذایله ی « بخل » می باشد ، زیرا انسان به دنیا و مال علاقمند بوده و طبعاً بخیل است ، قرآن نیز به این بیماری در نفس اشاره می نماید و می فرماید :

« وَأَخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ »^(۱) و بخل (و بی گذشت بودن) ، در نفوس ، حضور دارد .

همچنین در مورد اینکه انسان در بخشیدن مال بخل می ورزد می فرماید :

« قُلْ لَّوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا »^(۲)

بگو اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید ، به سبب تنگ نظری امساک می کردید ، زیرا که انفاق مایه ی تنگ دستی شما می شود و انسان سخت گیر است .

این صفت مذموم سرچشمه ی اختلافات و بسیاری از رذایل دیگر است و کنار گذاشتن آن باعث نجات و رستگاری است ، همان گونه که قرآن می فرماید :

« وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ »^(۳)

و کسانی که از بخل نفس خود در امان باشند رستگارند .

و این صفت زمانی زایل می شود که انسان به صفت بذل مال آراسته شود و خود را به جدا شدن از چیزی که محبوب اوست ، عادت دهد . این امر در اوایل بسیار مشکل می نماید ، اما بر اثر تکرار به صورت یک ملکه ی نفسانی در می آید و مایه ی سرور و شادمانی انسان می گردد ، بنابراین « انفاق » صاحبش را از بخل پاک

۱. نساء / ۱۲۸ .

۲. اسراء / ۱۰۰ .

۳. تغابن / ۱۶ .

نتیجه

اتفاق یک اصل بسیار مهم و ارزشمند از اصول اخلاقی اسلام است ، که از یک طرف رابطه ی انسان را با پروردگار عالم نشان می دهد ؛ زیرا تنها کسی می تواند از مال و ثروت و دنیای پر از زرق و برق بگذرد و آن را در راه معبود خود نثار کند که رابطه ای عاشقانه با خالق داشته باشد و جز رضای او سرلوحه ی زندگی اش نباشد ، از سوی دیگر میزان علاقه و ارتباط او با خلق نمودار می شود ؛ به این معنا که سرنوشت افراد جامعه ای که در آن به سر می برد برای او چندان مهم است که آبروی آنان را آبروی خود می داند و برای حفظ آن از ثروت خود نیز خرج می نماید . در این مسیر می تواند دست به کار شده ، با ایجاد محلی برای کسب معاش مردم ، ابزار رساندن روزی پروردگار به آنان شود ، یا با ساخت مکان آموزشی در بارور شدن استعدادهای نهفته ی آنان نقش ایفا کند تا بدین وسیله شاهد پیشرفت علمی و در نهایت اقتصادی کشور باشد ، همچنین می تواند سرمایه های خود را به جای صرف در امور بی فایده و بی ارزش برای آخرت ذخیره نماید و مشکل صنعت ، هنر ، کشاورزی ، علم یا هر زمینه ی دیگری که احساس نیاز می شود ، حل کند ، به این ترتیب دیگر انباشت ثروت در دست عده ای محدود صورت نمی گیرد و جامعه به سوی استثمار مستمندان و حاکم شدن اغنیا سوق نمی یابد ، و جامعه اسلامی در پرتو این قانون نافع الهی به رشد و توسعه ی اقتصادی ، که مقصد هر حاکم اسلامی ، خصوصاً رهبر معظم انقلاب اسلامی است ، دست خواهد یافت .

منابع و مآخذ

* قرآن کریم

۱. آمدی ، عبدالواحد ، **غرر الحکم و درر الکلم** ، شرح جمال الدین محمد خوانساری ، انتشارات دانشگاه تهران ، تهران ، ۱۳۴۶ .
۲. آیتی ، عبدالمحمد ، **نهج البلاغه** ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، تهران ، ۱۳۷۹ .
۳. الحرائی ، ابو محمد بن شعبه ، **تحف العقول** ، مؤسسه النشر الاسلامی ، قم ، ۱۴۱۶ .
۴. حسینی دشتی ، سید مصطفی ، **دایرة المعارف جامع اسلامی** ، مؤسسه فرهنگی آرایه ، ۱۳۶۹ .
۵. حکیمی ، محمد رضا ، محمد حکیمی ، علی حکیمی ، **الحیة** ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، تهران ، ۱۳۷۸ .
۶. راغب اصفهانی ، حسین ، **مفردات الفاظ قرآن الکریم** ، کرانه سعادت ، مترجم : سید مهدی نجم الدین ، نشر نور نگار .
۷. رشاد ، علی اکبر ، **دانشنامه امام علی علیه السلام** ، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ، قم ، ۱۳۸۵ .
۸. شبر ، سید عبدالله ، **اخلاق** ، مترجم : محمد رضا جباران ، انتشارات هجرت ، قم ، ۱۳۸۰ .
۹. شرف خانی ، احمد ، **رفتار شناسی علی (ع)** ، انتشارات پارسیان ، قم ، ۱۳۷۶ .
۱۰. علاقه بندیان ، عباس ، **انفاق** ، نشر سبحان ، ۱۳۸۳ .
۱۱. علمچی میبدی ، ملیحه ، **یتیم در قرآن و حدیث** ، نشر سازمان تبلیغات ، ۱۳۸۱ .
۱۲. عمید ، حسن ، **فرهنگ فارسی عمید** ، انتشارات امیر کبیر ، بی جا ، ۱۳۶۲ .
۱۳. قرائتی ، محسن ، **تفسیر نور** ، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن ، قم ، ۱۳۷۶ .

۱۴. قرشی ، علی اکبر ، قاموس قرآن ، دار الکتب الاسلامی ، ۱۳۷۸ .

عنوان مقاله :

نقش انفاق در حماسه اقتصادی

تهیه و تنظیم :

مریم شمشانی

رشته : سطح ۳ تفسیر و علوم قرآن

شماره : ۰۹۱۸۹۰۳۵۷۲۶

آدرس الکترونیکی: shamkhani204@gmail.com

چکیده :

عنوان مقاله ی پیش روی شما « نقش انفاق در حماسه اقتصادی » می باشد ، و هدف از آن بیان تأثیرات انفاق در اقتصاد کشور اسلامی به منظور پیشرفت و توسعه ی اقتصادی است ، تا به این ترتیب نقش انفاق در حماسه اقتصادی مورد نظر مقام معظم رهبری (مد ظله) نمودار گردد .

سؤالاتی که در این مقاله به پاسخ آنها پرداخته شده عبارت است از : ۱- مفهوم انفاق چیست ؟ ۲- فلسفه ی انفاق چیست ؟ ۳- آثار انفاق در اقتصاد کشور کدام است ؟

انفاق به معنی خارج کردن مال از ملکیت خود ، در راه خدا و به منظور کمک به مستمندانی است که کمبودهای مالی دارند . پرودگار عالم انفاق را با هدف تقرب انسان ها و تعالی و کمال آنها تشریع نموده تا به این وسیله فقر و مشکلات اقتصادی جامعه ی اسلامی را برطرف نماید .

انفاق با نمود خود در جامعه ی اسلامی توان ایجاد اشتغال ، ساخت مسکن ، پرورش استعداد های نهفته ی مردم ، جهت دادن به سرمایه های ثروتمندان ، رونق بخشیدن به کسب و کار و کاهش شغل های کاذب را دارد ، که با به کارگیری همه جانبه ی دستورات الهی به واقع حماسه ی بی نظیر در اقتصاد کشور روی خواهد داد .

کلید واژه ها : انفاق ، حماسه اقتصادی ، ثروت .